

(۲)



# تعهد در تئاتر گفت‌وگو



شهرستان علوم انسانی و مطالعات  
پرتال جامع علوم انسانی



## تعهد سیاسی و اجتماعی و تئاتر

گفت و گو با دکتر قطب‌الدین صادقی،  
کارگردان و مدرس دانشگاه  
مرجان سمندری

تعهد چیست؟

تعهد با جریان‌های سیاسی اجتماعی چپ شروع شد. به خصوص از دوره‌ای شروع شد که با شکست ناپلئون بناپارت از ۱۸۱۵ تا ۱۸۵۰ اعتراض‌های شدید اجتماعی آغاز شد و متفکرین مخصوصاً هنرمندان معتقد اعتقاد داشتند که این تقصیر اقلیت ممتاز جامعه است که این همه بحران وجود دارد، و همه به نوعی سوسیالیست‌ها طرفدار مساوات بودند و به همین علت انتقادشان را متوجه این قشر برگزیده کردند که اداره امور فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاست را به دستشان گرفته بودند. از آن تاریخ به بعد تعهد به معنای دفاع از اقشار فرودست جامعه است و بعدها مخصوصاً بعد از جنگ جهانی اول و تفکیک شدن شوروی، معانی دیگری پیدا کرد. معانی‌ای که کاملاً جنبه مبارزاتی طبقاتی پیدا کرد و از ۱۹۴۰ با جنگ جهانی دوم اکتزبستان‌سالیست‌ها مطرح کردند و کلمه مورال و مورالیز را به کار بردند که مورال به معنای اخلاق است، البته اخلاق نه به معنای حلال و حرام، اخلاق به معنای تعهد یک فرد در برابر جمع، آنچه که آن‌ها می‌فهمیدند مسئله نفس آگاهی بود. کسی مثل کامو اعتقاد دارد نفس آگاهی تعهد اور است. شما به محض اینکه باخبر شدید در برابرش مسئول هستید مسئول هستید که نگذارید بی‌عدالتی رخ دهد، نابرابری اتفاق بیفتد. تعهدی که آن‌ها مطرح می‌کردند یک مقدار پرومته‌وار است.

پرومته به محض اینکه آگاه می‌شود که انسان‌ها رنج می‌برند، از آسایش و رفاه خود دست می‌کشد و برای نجات جان انسان‌ها و سعادت جمع، خودش را آگاهانه به خطر می‌اندازد و می‌داند عقوبت سختی خواهد گرفت. با علم به این مطلب دست به انتخاب می‌زند. هدف شخصی هم ندارد و ماحصل مبارزه‌اش، تلاشش و تعهدش تمام به سود خوشبختی جمعی دیگران است. بنابراین تعریف یک روشنفکر متعهد یا هنرمند متعهد را در معنای اسطوره‌ای‌اش به بهترین شکل ممکن در شخصیتی مانند پرومته می‌توان دید. پرومته الگوی ازلی تمام آدم‌های متعهد است. تعهد این معنا را دارد، تئاتر متعهد تئاتری است که با علم به آگاهی‌های ریز و درشتی که از تحولات و مکانیزم اجتماعی و نابرابری‌های آن دارد، وارد عرصه می‌شود و در امور سیاسی اجتماعی دخالت می‌کند و نقش تعیین‌کننده خود را به عنوان منتشرکننده این آگاهی یا یادآورنده چشم‌اندازهای خوب هر نوع تغییر و تحول عملاً به جا می‌آورد. در واقع تئاتر متعهد تئاتری است که در برابر مسائل جمعی موضع‌گیری می‌کند و موضع‌گیری‌اش معمولاً مترقیانه و به سود اکثریت جامعه و به خصوص اقشار و طبقات فرودست و مظلوم و سرکوب‌شده است.

هنر متعهد چه نوع هنری است؟

تئاتر و هنر جزئی از هنر متعهد است و ما شعر متعهد، رمان و فیلم متعهد و... داریم. کلاً یک موجی است که در اثر تحولات فوق‌العاده نیرومند سیاسی رخ داد. در قرن بیستم البته در تحولات اجتماعی هنرمندان هم با جهان‌بینی‌ای که داشتند، مشترک با آن‌ها در این راستا دست به عمل زدند و نوعی مبارزه طبقات اجتماعی را در هنرشان اعمال کردند.

تعهد هنری با تعهد ایدئولوژیک چه تفاوتی دارد؟

تعهد هنری یک کم متفاوت‌تر است. تئاتر متعهد تئاتری نیست که فقط از ایدئولوژی دفاع کند، تئاتر ایدئولوژی از چهار چوب سازمان‌ها و اهداف خارج نمی‌شود. در بسیاری از این آثار هنری این ایدئولوژی منعکس شده است. کسی مثل برشت یا ماکسیم گورکی به عنوان نمونه‌های آن ایدئولوژی سازمان‌ها و اهداف را آوردند و در آثارشان به کار زدند ولی به نظر من تعهد هنری یک کم از این هم بزرگ‌تر است و آن تعهد هنرمندانه نسبت به قبل از هر چیز ابزار کارش است. یعنی من به عنوان یک تئاتری در قبال زبان و فرهنگ تئاتر هم متعهد هستم در قبال خود تئاتر به عنوان یک هنر که نباید بگذارم خاموش شود، نباید بگذارم ضعیف شود مثل یک شاعر که قبل از هر چیز تعهدش در برابر زبانش است. یعنی ما تعهدات هنری هم داریم، فقط تعهد اجتماعی نیست. تئاتر فقط یک تریبون نیست. انسان در درون خود هم نسبت به حرف‌هایش باید متعهد باشد آن را ارزان نفروشد، از آن سوء استفاده نکند، آن را آلت دست دیگران قرار ندهد، وسیله‌ای برای درآمد یول و کسب مقام قرار ندهد، به نظر من این‌ها آن تعهد راستین است که باید به ماهیت و ذات هنر خود و به تمام ارزش‌های فرهنگی‌اش پایبند باشیم و نکنداریم تضعیف شود که این خودبه‌خود تعهد سنگینی است و مستلزم این است که قبل از هر چیز یک نویسنده و کارگردان خوبی باشیم و نکندارم هنر نمایش تضعیف شود و جایگاه و اهمیت خود را زبان احساس و عاطفی خود را از دست بدهد.

آیا تعهد هنری یک مفهوم معنایی است یا زیبایی‌شناسانه؟

هر دو است این صحبت‌هایی که الان من کردم یک تعهد زیبایی‌شناسانه‌ست، ولی یک تعهد مخاطبی هم دارد یعنی شما در برابر توده‌های مخاطب هم متعهد هستید، یعنی نباید مفاهیمی را منتشر کنید یا دست به خلق آثاری بزنید که ضد ایده‌آل‌های مثبت مردم باشد.

بالاخره مردم برای رسیدن به یک زندگی بهتر و یک سعادت اجتماعی، ایده‌آل‌هایی دارند. واقعاً هنرمند تئاتر باید یک مقدار زیاد در این خوشبختی سهیم باشد. من نمی‌گویم حتماً یک برچسب ایدئولوژی مشخص داشته باشد ولی از آرمان‌ها، از آرزوها، شادی‌ها و آنچه که مربوط به مردم است، باید حرف بزند. نباید خود را از آن‌ها جدا کند. در برج عاج بنشیند و بگوید به من ربطی ندارد و فقط هنر برای هنر است و دست به کارهای تجریدی بزند که هیچ ارتباطی با مردم و مشکلات، مسائل و اسطوره‌ها و واقعیات آن‌ها ندارد. به نظر من یعنی که به مردم احترام بگذارد، مسائل آن‌ها را مطرح کند از شادی‌ها، رنج‌ها، امیدها و اهدافشان در زندگی اجتماعی حرف بزند که خودش نوعی تعهد است. حتماً هم نباید توأم با پاسخ‌های مشخص باشد. یکی از تفاوت‌هایی که با ایدئولوژی دارد همین است. در ایدئولوژی یکی از این جواب‌ها این است که باید شما به فلان حزب بپیوندید، در حالی که تعهد ما در هنر یعنی ممکن است این پاسخ‌ها نباشد بلکه در طرح مسائل باشد. به اصطلاح مسائل و مشکلات را فرموله کنید. طرح پرسش کنید و آن شخص برود به آن فکر کند که موجب پویایی فکر و ذهنش باشد. به نظر من این قشنگ است. طرح مسئله به شکل درست، یعنی کمک کنیم به این مسئله که ما به آن می‌گویم فضا سازی و توسعه آزادی و اندیشه را مطرح کنیم. ظرفیت و تحمل مدارای اجتماعی را بالا ببریم. از دموکراسی دفاع کنیم. از آزادی انسان و خردورزی صحبت کنیم. از چیزهایی که امروز باعث یک زندگی اجتماعی مثبت‌تر است این‌ها آن چیزهایی است که من می‌گویم. تعهد راستین نه اینکه حتماً یک پاسخ قطعی حزبی در آن باشد که من به آن خیلی معتقد نیستم.

#### هنر متعهد در دنیای اسلام خصوصاً در ایران چه مفهومی دارد؟

از نظر دولت یک مفهوم دارد، از نظر دیگران یک مفهوم دیگر. دولت به دنبال تبلیغات یا تأیید نظرهای سیاسی - اجتماعی خود است. در واقع هنر متعهد را یک هنر ایجابی می‌داند و مثبت‌گرا در جهت تحقق شعارهایی که آن می‌دهد. در حالی که لزوماً همان نظرها را برخی از نظر اجتماعی ندارند، در نتیجه ما می‌توانیم بر اساس نظرهای دولت حرکت کنیم نظر به اینکه در این جامعه اهداف ایدئولوژی و چشم‌اندازهای سیاسی اجتماعی متفاوت وجود دارد، همیشه یک نوع تعهد وجود ندارد. تعهد معانی و مفاهیم مختلف دارد.

#### تعهد از دیدگاه جلال و شریعتی

جلال چند بار تغییر موضع داد. یک وقت توده‌ای بود، یک وقت مذهبی بود، یک وقت به غرب فحش داد، هر دفعه یک موضع داشت. شریعتی هم تحت تأثیر لیبرالیسم غربی دوباره تشیع را تبدیل به حزب سیاسی کرد و آن تعهد سیاسی مبتنی بر تعاریف جدید شیعه علوی و مبارزه برای تحقق شیعه علوی که ضدیت با شاه بود. داد به نظر من کار یک وادی ابودر خلی هنری نبود و بیشتر شعاری بود یعنی تبدیل به اندیشه، زبان و شکل هنری نشده بود و شکل خام زمخت خود را حفظ کرده بود.

#### آیا هنر بدون تعهد هم داریم؟

نه، تعهد در برابر مخاطب بزرگ‌ترین تعهد است. اینکه به مردم دروغ نگوئیم، نشر اکاذیب نکنیم، آن‌ها را تحقیر نکنیم و اینکه افکار از پیش ساخته و پرداخته را به آن‌ها تحمیل نکنیم. تعهد واقعی در این است که آزادی و رشد اندیشه آن‌ها را در نظر بگیریم. آن‌ها را مصرف‌کننده منفعل و آلت دست تلقی نکنیم.

#### آیا تعهد هنری به سیاست است یا به ذات هنر؟

به ذات هنر، سیاست یک چیز جعلی است، آن سیاست است، هنر نیست.

#### آیا تعهد هنری با سیاست ارتباطی دارد؟

آن تئاتر تبلیغی است. تئاتر تبلیغی تئاتر تحمیل افکار اقلیتی است که برای تحکیم پایه‌هایشان می‌خواهند از طریق زبان هنر دائماً تبلیغ کنند و از خودشان به عنوان حق و از دیگران به عنوان باطل نام ببرند تا بتوانند خود را به عنوان نیروی برتر جا بزنند. نوع هنر هم برای آن‌ها مهم نیست که شعر باشد یا فیلم یا تئاتر، یک وقت روایت است و یک وقت نقالی. ممکن است اشکال مختلف به خود بگیرد.

#### به نظر شما سارتر آدم سیاسی بود؟

نه هنری بود. فیلسوف بود. فیلسوفی که اتفاقاً بزرگ‌ترین ویژگی‌اش این است که می‌گوید هنرمند نباید تابع یک حزب خاص باشد هنر ماوراء حزب و طبقه است حتی بعضی‌ها به او گفتند که بورژوا است و حتی در روسیه آثارش را ممنوع کردند. من معتقدم حرفی که سارتر می‌زند، خیلی دقیق است. او می‌گوید: «به محض اینکه وارد حزب شدی و در درجه آن نگاه کردی محدود شده‌ای.» او طرفدار آزادی، رهایی و وسعت دید و نظر هنرمند است و معتقد است که هنرمند نباید در هیچ چهارچوبی محدود شود و گرنه مجبور است مبلغ آن چهارچوب شود. از نظر سارتر، هنرمند، ماوراء هر گونه حزب است، می‌تواند از همه انتقاد کند و این مهم‌ترین وظیفه هنرمند است. به نظر من هنرمند تئاتر متعهد است که قدرت انتقاد را برای خود حفظ کند.

#### آیا تعهد هنری از دیدگاه سارتر سیاسی است؟

نه سارتر در هیچ چهارچوب و حزبی باقی نماند تا بتواند نسبت به همه انتقاد کند.

#### هنر متعهد از منظر سارتر چه تفاوتی با دیگر نظریه‌پردازان دارد؟

ما پنجاه نظریه‌پرداز داریم مثلاً برشت، برشت مارکسیست است و می‌گوید تنها راه نجات بشر در آن مقطع سیاسی خاص در تاریخ آلمان شکل افراطی است. یعنی طرف دیگر و مقابل ناشیسم. برای اینکه بحران همه جانبه و فراگیر بود و همه چیز ویران شده بود. در این دوره‌های بسیار بحرانی دو راه حل است یکی راه‌حل‌های افراطی پیشنهاد می‌شود، به همین دلیل آلمان صاحب دو راه حل است در برابر شکست و تحقیر جنگ جهانی اول و بحران بی‌کاری یا مارکسیست است یا فاشیست، اتفاقی نیست. آن‌ها می‌خواستند با یک فرمول کلی یا یک معماری فراگیر همه مشکلات را یک جا حل کنند و برشت اعتقاد دارد با شکل افراطی چپ این کار را باید انجام داد، در حالی که سارتر این اعتقاد را ندارد. آن در درون حزب کمونیست است که این حرف را می‌زند. سارتر اعتقاد دارد حتی باید به حزب کمونیست شدیداً انتقاد کرد و استقلال رأی هنرمند برای انتقاد به تعاریف سیاسی احزاب مهم‌تر است.

#### مدیریت چه تأثیری در تعهد هنرمند دارد؟

جلوی آن‌ها را نگیرد. از آن‌ها تشکر می‌کنیم. البته مدیریت یک سری قواعد و معیارهایی دارد که در جهت حفظ آن‌ها گام برمی‌دارد.

#### سخن آخر.

من به هنری معتقدم که قبل از هر چیز دو چیز داشته باشد. تخیل و آزادی، در هیچ جای دنیا هنر و زیبایی بدون آزادی و تخیل تحقق نیافته است و هر چیزی که باعث محدودیت این شود به نظر من غلط است. چه سانسور چه تعهد حزبی، هر دو به یک اندازه مخرب است. تعهد راستین به هنر این است که تخیل و آزادی داشته باشد.